

بدون مردم ممکن نیست

{سؤال و
جواب}

❖ راست است که بچه‌هایی که در این محله بزرگ می‌شوند، دست‌به‌کارهای بزرگ می‌زنند؟

قطعاً محیط اجتماعی یک محله در خلق و خور رفتار اجتماعی مردم آن محل بی‌تأثیر نیست. خیابان دریادل و خصوصاً محله‌نوغان، با این قدمت چند هزار ساله و ریشه‌های عمیق فرهنگی و سنت‌هایی که فقط در این جا حفظ می‌شوند، نمی‌تواند محله بزرگ پروری نباشد. خودتان بهتر می‌دانید که خیلی از بزرگان وطن از این خاک بر خاسته‌اند و از هردوسه شخصیت بزرگ مشهدی، دست کم یکی شان اینجا بزرگ شده‌اند. همین حالا هم جوان‌های محل کارهای خوبی انجام می‌دهند و برخی از آن‌ها هم برای خودشان اسم و رسمی دارند، اما به هر حال فکر نمی‌کنم این محله به روزهای اوج خودش برگردد.

❖ روزهای اوج؟ منظورتان از روزهای اوج چیست؟

تا همین یک دهه پیش هم، اینجا اصیل‌ترین آدم‌های شهر را داشت. می‌دانید که بیشتر از نیمی از بناهای ثبت ملی شده مشهد، بیش از دوسوم خانه‌هایی که معماری قدیمشان را حفظ کرده‌اند و عموم علما و فضلاء شهر مشهد متعلق به این محل هستند، اما وقتی میراث فرهنگی کارشان را انجام نمی‌دهد و نهادهای مختلف تیشه می‌گذارند به ریشه خانه‌ها و محله‌های قدیمی، نمی‌توان توقع داشت تیشه‌به‌ریشه فرهنگ ما نخورد.

❖ روحیه اجتماعی مردم این جا چه قدر روی برنامه‌ها و کارهای امروز شما تأثیرگذار بوده است؟

این تأثیر غیرقابل انکار است. مادر محیطی رشد کرده‌ایم که مردم، حتی مردم تنگ‌دست محل، در خانه‌هایشان همیشه به‌روی هم باز بوده، سفره‌هایشان همیشه همیشگی بوده و رویشان گشاده است. من به شدت اعتقاد دارم که آسیب‌زدن به معماری این محله، آسیب‌زدن به فرهنگ این محله، خیانت به همه شهر و حتی کشور است.

❖ منظورتان را بیشتر توضیح می‌دهید؟

جامعه‌شناسی به ما می‌گوید که هر فرهنگ یا اثر فرهنگی، از یک نقطه مرکزی شروع می‌شود و به محیط‌های پیرامونی تسری می‌یابد؛ حالا شما به من بگویید فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌هایی مثل زیارت، حجاب، عفاف، مردانگی، جوانمردی، غیرت و... در کجای این شهر، بیشتر از این محلات پیدایم می‌شود؟ هیچ تعصبی هم در کار نیست. به هر حال قدمت فرهنگی، شکل افقی معماری شهری، اصالت و... که در این محیط پیدایم می‌شود، در جای دیگری این طور در دسترس نیست. برای من عجیب است که خیلی وقت‌ها همان کسانی مدام حرف از حفظ ارزش‌های می‌زنند، همان کسانی مرتب از دغدغه‌شان برای فرهنگ و حجاب و حیای این شهر می‌گویند، که خودشان تیشه‌به‌ریشه این محله‌های قدیمی گذاشته‌اند. اگر این محله‌ها نابود شوند، سنت فرهنگی ما از بین می‌رود. ما که زیاد می‌گوییم، اما کجاست گوش شنوا؟

❖ تا حالا برای حفظ این محله‌های قدیمی هم کاری کرده‌اید؟

تعدادی پژوهش و مقاله و گزارش و البته کمک به دوستانی که برای حفظ این محله‌ها تلاش می‌کنند؛ مستقلاً نه و برایش دلیلی هم داشته‌ام...

❖ چند دلیلی؟

شما خودتان روزنامه‌نگارید و قطعاً با این مسئله‌ای که می‌گویم درگیر بوده‌اید. متأسفانه عمده تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی در کشور ما بر چسب سیاسی می‌خورد. با اینکه من باور دارم که حتی بیشتر آسیب‌هایی که امروز محله‌های قدیمی شهر مشهد با آن مواجه هستند ریشه‌صداقتصادی دارند. دست‌هایی در کارند که خاک این محلات اطراف حرم مطهر را طلا می‌دانند و به خاطر منافع زودگذر خودشان از اینکه فرهنگ ما را با خاک یکسان کنند، پرهیزی ندارند. این دست‌ها اتفاقاً خیلی هم قدرتمند هستند و دست کم من در خودم این توان رانمی‌بینم که به آن‌ها اعتراض کنم. یک اعتراض دیگر هم دارم...

❖ بفرمایید.

این بر چسب‌زنی سیاسی در مورد فعالیت‌های اجتماعی، به خودی خود خطرناک است، اما به نظر خطرناک‌تر از آن این است که مدیریت شهری درگیر این بازی قدرت شود. مدیریت شهری نباید اجازه دهد که به آن بر چسب حزبی و سیاسی زده شود؛ بدتر از آن اینکه کسانی را که با آن همکاری می‌کنند، با این بر چسب‌ها نشانه‌دار کنند. به عنوان کسی که بیشترین کار را برای نزدیک کردن شهروندان و مدیریت شهری به یکدیگر کرده‌ام، می‌گویم: شهر و شهرداری متعلق به همه شهروندان است؛ مواظب باشیم آن را جناحی نکنیم.

۱۳۹۶

نمایشگاه سمن‌ها و نهادهای غیر حاکمیتی

یکی دیگر از ایده‌های هم‌محله‌ای ما که به‌تازگی به‌بار نشسته است، کاری است که سمن‌ها (نهادهای غیر حاکمیتی) مشهد را دور هم جمع می‌کند تا در کنار یکدیگر برای ساخت شهری بهتر همکاری کنند.

مصطفی توفیقی، برای این کار، یک تیم حرفه‌ای از فعالان اجتماعی را در کنارش دارد که با تلاش مداوم امیررضا فرزادفر هر چند هفته یک‌بار سمن‌ها و نهادهای اجتماعی را در محله‌های این سو و آن سوی مشهد گرد هم می‌آورند و ضمن ارتباط گرفتن با شهروندان محلات مختلف، به آن‌ها در حوزه‌های مختلف حفظ محیط زیست، بهداشت، میراث فرهنگی و حقوق شهروندی آموزش می‌دهند.

۱۳۹۶

I love Mashhad

«من مشهد را دوست دارم.»؛ احتمالاً شما هم این عنوان و متن انگلیسی آن را با یک قلب آبی بزرگ در وسطش دیده باشید. این قلب آبی بزرگ که به «قلب مشهد» معروف شده، یکی از طراحی‌های مصطفی توفیقی است که با هنرمندی و همکاری زهره اسماعیل‌زاده اجرا شده و در همین ابتدای کار هم با استقبال خوبی روبه‌رو شده است. این پویش تلاش دارد زیبایی‌های مشهد را هر چه بیشتر به مردم ایران و جهان بشناساند تا این شهر را برای همه مردم جهان دوست‌داشتنی‌تر کنند.

۱۳۹۶

مشهد بانشاط | پویش #مشهد_بانشاط را باید یکی از

کمپین‌های مهم دانست که توفیقی طراحی کرده است. کسانی که با کارکردهای جدی پویش‌های اجتماعی سروکار دارند، به یاد دارند که پویش دیگر وی موسوم به کمپین «سربازها را آزاد کنید» چه‌طور به آزادی سربازهای گروگان گرفته‌شده ایرانی کمک کرد. خود مصطفی می‌گوید که هر کمپین او برای حل یک مسئله طراحی می‌شود و در میان ده‌ها کمپینی که او و گروهش کلید زده‌اند، «مشهد بانشاط» می‌خواهد مسئله «کم‌تر خوشحال بودن» مشهدی‌ها را پیگیری کند. این کمپین که در گروه «مشاوران جوان شهرداری مشهد» راه اندازی شده، تلاش می‌کند شهروندان را با طبعی‌ترین حق خودشان، یعنی شاد زیستن، آشنا کند و کاری کند که همه با هم برای افزایش نشاط و سلامت اجتماعی دست‌به‌دست هم دهند.

۱۳۹۶

صدر روز، صدلبخند | پروژه اجتماعی «صدر روز،

صدلبخند» به نوعی بازوی عملیاتی کمپین «مشهد بانشاط» به‌شمار می‌آید. توفیقی خودش در این باره می‌گوید: «کلیدزدن کمپین «مشهد بانشاط» خیلی اتفاقی با دوران گذار و تغییر در مدیریت شهری مشهد همراه شد؛ ما در مسائل سیاسی درگیر نمی‌شویم و هیچ وقت هم برنامه سیاسی نداشته‌ایم؛ به همین علت، دلیلی برای پیگیری نکردن این کمپین ندیدیم، اما تلاش کردیم با طراحی مجموعه‌ای از برنامه‌های نشاط‌آور اجتماعی با کمک خود شهروندان، این دوران گذار را به سلامت به «مشهد بانشاط» برسانیم». پروژه «صدر روز، صدلبخند» اجرای بیش از ۱۲۰ برنامه نشاط‌آور اجتماعی را در بر می‌گیرد که عموماً خود شهروندان با کمک مشاوران جوان شهرداری اجرا می‌کنند.

۱۳۹۶

کارگاه اسباب‌بازی و «خانواده آقای نشاط»

«خانواده آقای نشاط» بازتاب یکی از آرزوهای دوران کودکی مصطفی است؛ اینکه «بین دنیای بچه‌ها و بزرگترها پل بزند تا بچه‌ها بیشتر دیده شوند و بزرگترها بیشتر مراقبشان باشند». این آرزوی دوران کودکی جوان هم‌محله‌ای ما، حالا با تشکیل یک کارگاه ایده‌پردازی و ساخت عروسک و اسباب‌بازی تحقق پیدا کرده است. کارگاهی که نتیجه‌اش، به رسمیت شناختن کودکان در محیط اجتماعی است. توفیقی، در این باره توضیح می‌دهد: «سال‌هاست که این آرزو را در دلم جابه‌جایی می‌کنم؛ اینکه برای بچه‌ها هم کارهایی انجام دهیم. در این سال‌ها هم بی‌کار ننشسته بودیم. برای تشکیل موزه اسباب‌بازی مشهد، چیزهایی دست‌وپا کردیم. خیلی از اسباب‌بازی‌های قدیمی و نوستالژیک را بازسازی کردیم و همین‌طور کلی عروسک ساختیم. حالا با اضافه شدن یک هنرمند خوش ذوق، محبوبه فندختی، بعضی ایده‌های دیگر ما هم دارند جان می‌گیرند که «خانواده آقای نشاط» یکی از آن‌هاست.»

«خانواده آقای نشاط» یک خانواده مشهدی عروسکی هستند که قصد دارند شهر به شهر بگردند و قصه‌های خودشان را برای بچه‌ها روایت کنند. در آینده، بیشتر از این خانواده خواهید شنید.